

# بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

مرحله‌ی آماده‌سازی فایل				
تکمیل مآخذ و ویرایش نهایی	ویرایش دوم	ذکر مآخذ	تصحیح و ویرایش اولیه	پیاده‌سازی

## سخنانی از حضرت زهرا علیها السلام پس از رحلت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در مورد حضرت امیر علیه السلام<sup>۱</sup>

کلیدواژه‌ها: سخنان فاطمه‌ی زهرا علیها السلام ، بعد از رحلت رسول الله صلی الله علیه و آله ، علی علیه السلام ، گریه، فدک، غصب خلافت، عمر، ابوبکر، کینه‌های بدر و احد.

بعد از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله داغ سنگین از دست دادن پدر، آن هم خاتم پیامبران و سید رسولان، قلب فاطمه‌ی زهرا علیها السلام را به شدت می‌فشرده که هجوم وحشیانه به خانه‌ی فاطمه علیها السلام صورت گرفت. خانه به آتش کشیده شد، در شکست، فاطمه‌ی زهرا علیها السلام بین در و دیوار مجروح و مصدوم شدند، نوه‌ی پیامبر صلی الله علیه و آله ، محسن علیه السلام در رحم مادر به شهادت رسید. هجوم بردند و علی علیه السلام را از خانه بیرون کشیدند و در حالی که ریسمان به دست علی علیه السلام بسته بودند، کشان‌کشان ایشان را به سمت مسجد پیامبر صلی الله علیه و آله می‌بردند تا با ابوبکر که به جای پیامبر صلی الله علیه و آله نشسته بود، بیعت کند. فاطمه‌ی زهرا علیها السلام مجروح، در حالی که فرزندی را از دست داده‌اند، استخوان پهلوی‌شان شکسته و میخ سرخ شده‌ی در، سینه‌ی ایشان را سوراخ کرده است؛ وقتی می‌بینند علی علیه السلام را می‌برند، با این حال مجروح از جای برمی‌خیزند و دوان‌دوان به دنبال علی علیه السلام می‌آیند و

---

۱. منبع اصلی ما برای نقل این سخنان و بیانات حضرت فاطمه علیها السلام کتاب *نهج‌الحیة* است و منابع دیگر مورد ارجاع ما، هر جا با این کتاب اختلاف دارند، در پاورقی ذکر می‌گردد. مشخصات کتاب *نهج‌الحیة* به قرار زیر است:

دشتی، محمد و جمعی از پژوهشگران، *نهج‌الحیة: فرهنگ سخنان فاطمه علیها السلام* ، چاپ اول: قم، مؤسسه‌ی تحقیقاتی امیرالمؤمنین علیه السلام ، ۱۳۷۲ش.

در این حال شروع می‌کنند به سخن گفتن با رسول الله ﷺ، پدر بزرگوارشان. در اینجا عبارتهای حضرت زهرا علیها السلام را می‌خوانم:<sup>۲</sup>

قَالَتْ ... يَا أَبَتَاهُ مَا أَعْظَمَ ظُلْمَةَ مَجَالِسِكَ: فاطمه‌ی زهرا علیها السلام به پدر عرضه داشتند: ای رسول خدا! ای پدرم! چقدر جایگاه و مجلس‌ت، بعد از مرگ تو ظلمانی و تاریک شد. **فَوَا اسْفَاهُ عَلَيْكَ إِلَى أَنْ أُقَدِّمَ عَاجِلاً عَلَيْكَ:** و چقدر جای تأسّف است از دست دادن و فقدان تو؛ و این غم و تأسّف گریبان‌گیر من خواهد بود، تا من هم به شهادت برسم و نزد تو بیایم ای پدر.

وَ أَتَكَلَّ أَبُو الْحَسَنِ الْمُؤْتَمِنُ: و داغ رحلت تو، ابوالحسن امیرالمؤمنین را هم داغدار و ماتم‌زده کرد؛ **أَبُو وَلَدَيْكَ الْحَسَنِ وَ الْحُسَيْنِ:** علی که پدر دو پسر تو، حسن و حسین است؛ **وَ أَخُوكَ وَ وُلَيْتِكَ وَ حَبِيبِكَ:** علی که برادر توست یا رسول‌الله! و عقد اخوت با او جاری کردی؛ دوست تو و اهل ولایت توست و حبیب و عاشق توست. **وَ مَنْ رَبَّيْتَهُ صَغِيرًا وَ آخِيَّتَهُ كَبِيرًا:** یا رسول‌الله! علی کسی است که از سنّ کودکی او را در دامان خودت پروراندی و پرورش دادی. علی کسی است که وقتی به سنّ بزرگسالی رسیدی، با او پیمان اخوت بستی. **وَ أَجَلِي أَجْبَانِكَ وَ أَصْحَابِكَ إِلَيْكَ:** علی برجسته‌ترین و بزرگ‌ترین دوستان و اصحاب تو در نزد توست؛ **مَنْ كَانَ مِنْهُمْ سَابِقًا وَ مُهَاجِرًا وَ نَاصِرًا:** در بین تمام اصحاب، چه آنهایی که سبقت در اسلام داشتند و پیش‌تاز در ایمان آوردن به تو بودند، چه آنهایی که از مکه مهاجرت کردند و به مدینه آمدند و چه آنهایی که ناصر و یار تو بودند و در

---

۲. دشتی، نهج‌الحیاء، ص ۶۷؛ مجلسی، بحارالانوار، ج ۴۳، ص ۱۷۶؛ بحرانی اصفهانی، عوالم‌العلوم، ج ۱۱، ص ۵۷۲ و خوئی، منهاج‌البراعه، ج ۱۳، ص ۲۵.

۳. در بحارالانوار به جای **آخِيَّتَهُ**، **وَ آخِيَّتَهُ** آمده است.

۴. در بحارالانوار و منهاج‌البراعه به جای **أَجَلِي**، **أَجَلِي** آمده است.

۵. در منهاج‌البراعه **إِلَيْكَ** نیامده است.

مدینه پذیرای تو شدند. در بین همه‌ی این اصحاب، برجسته‌ترین و محبوب‌ترین آنها نزد تو علی بود یا رسول‌الله! و علی در ماتم رحلت تو به‌شدت داغدار است.

**وَ أَوْلَهُمْ سَابِقًا إِلَى الْإِسْلَامِ:** و علی پیشتازترین آنها در اسلام آوردن بود. در بین اصحاب، نخستین فردی بود که اسلام را پذیرفت. **وَ مُهَاجِرَةً إِلَيْكَ:** و نخستین کسی بود که به‌سوی تو هجرت کرد. بعد از اینکه تو شبانه مخفیانه مدینه را ترک گفتی و علی در بستر تو خوابید و جان خود را سپر جان تو قرار داد تا تو به سلامت جان به در ببری، اولین کسی از اصحاب که به تو ملحق شد و از مکه به مدینه مهاجرت کرد، علی بود.

**يَا خَيْرَ الْأَنَامِ:** ای بهترین آفریدگان خدا ای پدر! **فَهَا هُوَ يُسَاقُ فِي الْأَسْرِ كَمَا يُسَاقُ الْبَعِيرُ:**<sup>۶</sup> ای پدرم ای رسول‌الله! ببین چگونه کشان‌کشان مثل اسرا، علی را می‌برند؛ همان‌طور که ریسمانی به گردن شتری می‌بندند؛ همان‌طور که افساری به دهان شتری می‌بندند و او را می‌کشند. ببین علی تو را چگونه به‌سمت مسجد می‌برند تا از او بیعت بگیرند!

**وَ الشُّكْلُ شَامِلُنَا وَ الْبُكَاءُ قَاتِلُنَا وَ الْأَسَى لَازِمُنَا:** یا رسول‌الله! داغ ماتم رحلت تو همه‌ی وجود ما را دربر گرفته و اشک و گریه در فراق تو و در مصائبی که بعد از تو بر ما وارد شد، جان ما را تهدید می‌کند و قاتل ماست و ما را از پای درمی‌آورد و تأسف و اندوه یک لحظه هم ما را ترک نمی‌کند.

**وَ مُحَمَّدَاهُ! وَ أَبَاهُ! وَ حَبِيبَاهُ! وَ أَبَا الْقَاسِمَاهُ! وَ أَحْمَدَاهُ! وَ قِلَّةَ نَاصِرَاهُ! وَ غَوْثَاهُ! وَ طُولَ كُرْبَانَاهُ! وَ حُرْنَاهُ! وَ مُصِيبَتَاهُ:**<sup>۷</sup> بعد به پیغمبر ﷺ خطاب کردند و فرمودند: ای وای بر ما! ای رسول خدا! ای پدر بزرگوار من!

---

۶. از **وَ أَوْلَهُمْ تا يُسَاقُ الْبَعِيرُ** در بحارالانوار و منهاج‌البراعه نیامده است و در عوالم‌العلوم بحرانی اصفهانی، ج ۱۱، ص ۵۷۲ و ۸۸۱ آمده است.

۷. این عبارت در بحارالانوار و منهاج‌البراعه نیامده است و در عوالم‌العلوم بحرانی اصفهانی ج ۱۱، ص ۵۷۳ آمده است؛ لیکن دو عبارت **وَ أَبَاهُ** و **وَ حَبِيبَاهُ** جابه‌جا ذکر شده است.

ای حبیب خدا! ای ابالقاسم! ای احمد! وای از کمبود یاران و یاوران! وای از کمبود کسانی که به داد ما در این غربت و تنهایی برسند! وای از طول اندوهها و مصیبتها و تلخیها! یا رسول الله! وای از شدت مصیبت‌هایی که می‌بینی بر ما وارد می‌شود!

عبارت دیگری را باز از حضرت زهرا علیها السلام برایتان می‌خوانم.<sup>۸</sup> یکی از اصحاب به نام محمود بن لبید می‌گوید: بعد از رحلت رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم فاطمه علیها السلام را در کنار قبر حمزه و شهدای اُحُد در حال گریه و زاری مشاهده کردم. همان‌طور که می‌دانید، مردم آمدند و به علی علیه السلام شکایت کردند که گریه‌های فاطمه علیها السلام عیش و نوش ما را به هم زده است؛ نه روز فرصت شادی و نه شب فرصت لذت بردن برایمان گذاشته است. آمدند، شکایت کردند و گفتند به فاطمه بگو یا روزها گریه کند و شب‌ها آرام باشد تا ما لااقل شب را استراحت کنیم و یا شب‌ها گریه کند و روزها را آرام باشد که ما روز راحت باشیم. وقتی امیرالمؤمنین علیه السلام این پیام را رساندند، خاطرتان هست؛ روایت آن را خواندیم که فاطمه‌ی زهرا علیها السلام فرمودند: نه! من نمی‌توانم از گریه خودداری کنم؛ ولی خیلی هم مزاحم اینها نخواهم بود؛ به‌زودی از بین اینها خواهم رفت. در این روزهای باقیمانده تا شهادتشان، امیرالمؤمنین علیه السلام صبح‌ها دست فاطمه علیها السلام را می‌گرفتند و همراه حسنین علیهما السلام به محلی که بیت‌الاحزان نام گرفت، می‌بردند و فاطمه‌ی زهرا علیها السلام صبح تا شام آنجا گریه می‌کردند تا مردم مدینه صدای گریه‌های روزانه‌ی ایشان را نشنوند و شب به خانه برمی‌گشتند و گریه‌های شبانه‌ی خود را داشتند. گاهی اوقات هم فاطمه‌ی زهرا علیها السلام سر قبر حمزه علیه السلام، عموی بزرگوار پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم، می‌رفتند و آنجا گریه می‌کردند و عقده‌های دل را خالی می‌کردند. محمود بن لبید می‌گوید: من فاطمه‌ی زهرا علیها السلام را سر قبر حمزه‌ی سیدالشهدا در محلّ دفن شهدای احد در حال گریه و زاری دیدم. می‌گوید: فرصت را غنیمت دانستم و از فاطمه‌ی زهرا علیها السلام پرسیدم آیا از سخنان خود رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم می‌شود برای امامت علی علیه السلام دلیل آورد و

---

<sup>۸</sup>. دشتی، نهج‌الحیاء، ص ۳۸؛ خزاززازی، کفایة‌الاثر، ص ۱۹۸؛ مجلسی، بحارالانوار، ج ۳۶، ص ۳۵۳ و بحرانی، انصاف‌فی‌النص، ص ۴۱۱.

استدلال کرد؟ **قَالَتْ فَاطِمَةُ: وَاعْجَابُهُ!<sup>۹</sup> أُنَسِيتُمْ يَوْمَ غَدِيرِ خُمٍّ:** فاطمه ع فرمودند: خیلی جای شگفتی است! آیا شما حادثه‌ی غدیر خم را فراموش کرده‌اید؟ حادثه‌ی غدیر خم [فقط] هفتاد روز قبل از مرگ پیامبر ص اتفاق افتاد؛ دو ماه و ده روز بیشتر فاصله نبود. از هیجدهم ذی‌الحجه که غدیر خم است تا بیست‌وهشت صفر که رحلت رسول‌الله ص است، هفتاد روز بیشتر فاصله نیست. خیلی جای تعجب است! غدیر خم را فراموش کرده‌اید؟! **سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ يَقُولُ<sup>۱</sup>: عَلِيٌّ خَيْرٌ مَنْ أَخْلَفَهُ فِيكُمْ وَهُوَ الْإِمَامُ وَالْخَلِيفَةُ بَعْدِي وَ سِبْطَايَ<sup>۱۱</sup> وَ تِسْعَةَ مِنْ سُلْبِ<sup>۱۲</sup> الْحُسَيْنِ أَيْمَةَ آبَرَارٍ لَنْ اتَّعْتُمُوهُمْ وَجَدْتُمُوهُمْ<sup>۱۳</sup> هَادِينَ مَهْدِيَّيْنِ وَ لَنْ<sup>۱۴</sup> خَالَفْتُمُوهُمْ لِيَكُونَ الْإِخْتِلَافُ فِيكُمْ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ:** فاطمه ع فرمودند: خودم از رسول خدا ص در روز غدیر خم شنیدم که می‌فرمود: علی بهترین کسی است که من به جانشینی خودم تعیین می‌کنم و به جای خودم می‌گذارم. او پیشوا، خلیفه و جانشین پس از من است، و دو سبط من یعنی حسن و حسین، دو پسر علی و نه نفر از فرزندان حسین، پیشوایان نیک و ائمه‌ی ابرارند و اگر شما مسلمان‌ها از آنها تبعیت کنید، آنها را راهبران و راهنمایان راه‌یافته‌ای خواهید یافت؛ اما اگر با آنها مخالفت کنید و در برابر آنها راه مخالفت را در پیش گیرید، تا روز قیامت در بین شما امت، اختلاف باقی خواهد ماند.

۹. به‌جای **وَاعْجَابُهُ**، در بحارالانوار **وَاعْجَابًا**، در انصافی‌النص و کفایة‌الاثار **وَاعْجَابُهُ** آمده است.

۱۰. به‌جای **سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ يَقُولُ**، در بحارالانوار **قُلْتُ قَدْ كَانَ ذَلِكَ وَ لَكِنْ أَخْبِرْنِي بِمَا أُشِيرُ إِلَيْكَ قَالَتْ أَشْهَدُ اللَّهَ تَعَالَى لَقَدْ سَمِعْتُهُ يَقُولُ**، در

انصافی‌النص **قُلْتُ: كَانَ ذَلِكَ وَ لَكِنْ أَخْبِرْنِي بِمَا اسْتَرَّ إِلَيْكَ؟ قَالَتْ: أَشْهَدُ اللَّهَ تَعَالَى يَقُولُ وَ لَقَدْ سَمِعْتُهُ** و در کفایة‌الاثار **قُلْتُ قَدْ كَانَ ذَلِكَ وَ**

**لَكِنْ أَخْبِرْنِي بِمَا اسَرَّ إِلَيْكَ قَالَتْ أَشْهَدُ اللَّهَ تَعَالَى لَقَدْ سَمِعْتُهُ يَقُولُ** آمده است.

۱۱. در انصافی‌النص، به‌جای **سِبْطَايَ**، ابو سبْطای آمده است.

۱۲. در بحارالانوار، کفایة‌الاثار و انصافی‌النص به‌جای **سُلْبِ**، **صُلْبِ** آمده است.

۱۳. در انصافی‌النص به‌جای **وَجَدْتُمُوهُمْ**، **لَوْجَدْتُمُوهُمْ** آمده است.

۱۴. در انصافی‌النص به‌جای **لَنْ**، **إِنْ** آمده است.

محمود بن لبید می گوید: **قُلْتُ يَا سَيِّدَتِي فَمَا بِالْهٖ ۱۵ قَعَدَ عَنْ حَقِّهِ**: من به فاطمه علیها السلام گفتم ای بانوی من! پس چه شد که علی علیها السلام از طلب حقّ خودش چشم پوشی کرد و در برابر کودتای سقیفه قیام نکرد؟ **قَالَتْ يَا اَبَا عُمَرَ لَقَدْ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله مَثَلُ الْاِمَامِ مَثَلُ الْكَعْبَةِ اِذْ تُؤْتَى وَ لَا تَأْتِي ۱۶**: فاطمه ی زهرا علیهما السلام فرمودند: ای اباعمر! پیامبر خدا که درود خدا بر او و خاندانش باد، فرمود: مثال امام، مثال کعبه است. باید به نزد کعبه رفت؛ کعبه به زیارت و دیدار شما نمی آید. باید به حضور امام رفت. افراد وظیفه دارند بیایند خود را به امام تسلیم کنند و خود را در فرمان امام قرار دهند؛ وظیفه ی امام نیست که به زور آنها را تحت انقیاد بگیرد.

**اَمَا وَ اللّٰهِ لَوْ تَرَكَوْا الْحَقَّ عَلٰی اَهْلِهِ وَ اتَّبَعُوْا عِتْرَةَ نَبِيِّهِ ۱۷ لَمَا اِخْتَلَفَ فِی اللّٰهِ اِثْنَانٍ**: به خدا سوگند اگر گذاشته بودند حق در بین اهلش باقی بماند و از عترت پیامبرش تبعیت می کردند، در همه ی عالم حتی دو نفر باقی نمی ماندند که در رابطه با عقیده ی توحیدی دچار اختلاف شوند. از همین جا سنگینی جرم آن کسانی را که این جنایت را مرتکب شدند و کودتای سقیفه را برپا کردند، بفهمید. این افراد در همه ی انحرافات که تا روز قیامت بین بشریت حاکم است، مجرم درجه ی اولند.

**وَ لَوْرَثَهَا سَلَفٌ عَنْ سَلَفٍ وَ خَلَفٌ بَعْدَ خَلَفٍ حَتّٰی یَقُوْمَ قَائِمُنَا التّٰسِعُ مِنْ وُلْدِ الْحُسَیْنِ**: اگر گذاشته بودند خلافت به علی و اهل بیت علیهم السلام برسد و این راه درست اسلام، پشت به پشت و نسل به نسل در طول تاریخ استمرار پیدا می کرد تا اینکه حجّت خدا و امام منتقم حضرت مهدی ارواحنا فدا که نهمین فرزند حسین است قیام کند، در طول تاریخ هیچ انحرافی رخ نمی داد.

۱۵. در انصاف فی النص به جای **فَمَا بِالْهٖ**، **قَلِمَ** آمده است.

۱۶. در بحار الانوار، کفایة الاثر و انصاف فی النص در اینجا **اَوْ قَالَتْ مَثَلُ عَلِيٍّ ثُمَّ قَالَتْ** آمده است.

۱۷. در انصاف فی النص به جای **نَبِيِّهِ**، **نَبِيِّهِمْ** آمده است.

وَلَكِنْ قَدَّمُوا مِنْ آخِرِهِ اللَّهُ<sup>۱۸</sup> وَ آخَرُوا مَنْ قَدَّمَهُ اللَّهُ حَتَّىٰ إِذَا الْخُدُوا<sup>۱۹</sup> الْمُبْعُوثَ وَ أَوْدَعُوهُ الْجَدَثَ الْمَجْدُوثَ: <sup>۲۰</sup> ولكن اینها کسی را که خدا او را مقدم داشت، موخر داشتند و کسی را که خدا موخر داشته بود، به پیش انداختند؛ تا اینکه کلاً نسبت به رسالت رسول الله الحاد و کفر ورزیدند و کافر شدند و بدعت‌ها را یکی بعد از دیگری پایه‌گذاری کردند. اِخْتَارُوا بِشَهْوَتِهِمْ وَ عَمِلُوا بِآرَائِهِمْ: <sup>۲۱</sup> اینها با شهوات و تمایلات دنیاطلبانه‌ی خود، ابوبکر را انتخاب کردند و با آراء و اندیشه‌های فاسد و کثیف خود دست به اقدام زدند.

تَبَّ لَهُمْ: آف بر اینها باد! نابود باد این گروه مردم ناسپاس! أَوْ لَمْ<sup>۲۲</sup> يَسْمَعُوا اللَّهَ يَقُولُ «وَرَبُّكَ يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ وَ يَخْتَارُ مَا كَانَ لَهُمُ الْخِيَرَةُ»: <sup>۲۳</sup> آیا اینها این آیه‌ی قرآن، این سخن خدا را نمی‌شنوند که می‌گوید: ای رسول ما! این خداست؛ پروردگار توست که خلق می‌کند کسی را که بخواهد و انتخاب می‌کند کسی را که بخواهد؛ و برای مردم، حق انتخابی در بحث امامت و جانشینی رسول الله وجود ندارد؟ آیا این آیه‌ی قرآن را نخوانده بودند؟ نمی‌شنیدند؟ بَلْ سَمِعُوا وَ لَكِنَّهُمْ كَمَا قَالَ اللَّهُ سُبْحَانَهُ<sup>۲۴</sup> «فَإِنَّهَا لَا تَعْمَى الْأَبْصَارُ وَ لَكِنَّ تَعْمَى الْقُلُوبَ الَّتِي فِي الصُّدُورِ»: <sup>۲۵</sup> چرا! اینها این آیه را خوب شنیده بودند؛ ولكن اینها همان‌گونه بودند که خدای سبحان در قرآن فرمود که چشم‌های بدن اینها کور نیست؛ اما دل‌هایی که در سینه دارند کور است. اینها کورباطن بودند.

۱۸. در کفایة الاثر، الله نیامده است.

۱۹ در کفایة الاثر، به جای الْخُدُوا، اَلْحَدَّ آمده است.

۲۰. در انصاف فی النص الْمَجْدُوثَ نیامده است.

۲۱. در انصاف فی النص به جای بِآرَائِهِمْ، بِرَأْيِهِمْ آمده است.

۲۲. در انصاف فی النص به جای أَوْ لَمْ، أَلَمْ آمده است.

۲۳. سوره‌ی قصص، آیه‌ی ۶۸.

۲۴. در انصاف فی النص به جای سُبْحَانَهُ، تَبَارَكَ وَ تَعَالَى آمده است.

۲۵. سوره‌ی حج، آیه‌ی ۴۶.

هَيْهَاتَ بَسَطُوا فِي الدُّنْيَا أَمَالَهُمْ وَ نَسُوا آجَالَهُمْ: هیهات! اینها در دنیا آرزوهای خود را گسترش دادند؛ دامنه‌ی آرزوهای دنیاطلبانه‌ی خودشان را وسیع کردند؛ اما مرگ و اجلی را که در انتظار آنهاست فراموش کردند و به فراموشی سپردند. «فَتَعَسَى لَهُمْ وَ أَضَلَّ أَعْمَالَهُمْ»: <sup>۲۶</sup> پس نابود باد این گروه! و رفتار و عملکرد آنها جز به راه انحراف و گمراهی به سوی دیگری منجر نمی‌شود.

أَعُوذُ بِكَ يَا رَبِّ مِنَ الْخُورِ <sup>۲۷</sup> بَعْدَ الْكُورِ: فاطمه‌ی زهرا علیها السلام به خدا عرضه داشتند: پروردگارا! من به تو پناه می‌برم از بی‌یاوری و بی‌کسی بعد از دوران عزت و داشتن یاوران بسیار در عصر رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم.

مورد بعد؛ باز سر مزار حمزه‌ی سیدالشهدا علیه السلام در حالی که فاطمه علیها السلام می‌گریست، از او سؤال کردند که چرا مردم برضد شما و علی قیام کردند و هجوم آوردند و حق مسلم علی را غصب کردند؟ **قَالَتْ: <sup>۲۸</sup> لَكِنِّهَا أَحْقَادٌ بَدْرِيَّةٌ وَ تُرَاثٌ <sup>۲۹</sup> أُحْدِيَّةٌ كَانَتْ عَلَيْهَا قُلُوبُ النَّفَاقِ مُكْتَمِنَةً لِإِمْكَانِ الْوُشَاةِ فَلَمَّا اسْتَهْدَفَ الْأَمْرُ أَرْسَلَتْ عَلَيْنَا شَائِبَ الْآثَارِ:** فرمودند: علت اینکه اینها این‌طور علیه من و علی قیام کردند و این‌گونه حَقمان را غصب کردند و به ما حمله‌ور شدند، کینه‌هایی بود که از جنگ بدر و احد در سینه‌های اینها بود. علی سردار پشیمان دلاور و سلحشور سپاه رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم بود. در جنگ بدر و احد پدرها، برادرها، عموها و دایی‌های مشرک اینها را با شمشیر خدایی خود به خاک و خون کشانده بود؛ کینه‌ی پدرکشتگی با علی علیه السلام داشتند. علت این نبود که نمی‌دانستند حق با علی علیه السلام است؛ بلکه به‌خاطر انتقام جویی از همین کینه‌های به‌جا مانده از جنگ بدر و احد بود که در زمان رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم در دل‌های این منافقان پنهان بود. در زمان رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم به‌خاطر

۲۶. سوره‌ی محمد، آیه‌ی ۸.

۲۷. در انصاف‌فی‌النص به‌جای الْخُورِ، الْجُورِ آمده است.

۲۸. دشتی، نهج‌الحیة، ص ۴۶؛ ابن‌شهر آشوب، مناقب، ج ۲، ص ۲۰۵؛ مجلسی، بحارالانوار، ج ۴۳، ص ۱۵۷ و بحرانی‌اصفهانی، عوالم‌العلوم، ج ۱۱، ص ۸۲۹.

۲۹. در بحارالانوار، مناقب و عوالم‌العلوم به‌جای تُرَاثٌ، تِرَاثٌ آمده است.



حمایت و دفاعی که پیغمبر ﷺ از علی ؑ می‌کرد، جرأت نمی‌کردند این کینه را بر زبان بیاورند. این کینه‌ها در زمان رسول‌الله ﷺ در دل این منافقان پنهان بود؛ -حضرت فاطمه‌ی زهرا ؑ اینجا تعبیر نفاق را در مورد کودتاجیان سقیفه و حامیان آنها به کار می‌برند- اما روزی که بعد از رحلت رسول‌الله ﷺ کودتا کردند و حکومت را غصب کردند، همه‌ی آن کینه‌ها را آشکار کردند و آتش آن کینه‌ها را بر سر ما ریختند و به ما حمله‌ور شدند. علت این بود.

عبارت دیگری که از فاطمه‌ی زهرا ؑ برایتان می‌خوانم در ماجرای غصب فدک است. همان‌طور که می‌دانید، بعد از غصب فدک و غصب خلافت امیرالمؤمنین ؑ، فاطمه‌ی زهرا ؑ همراه امیرالمؤمنین و حسنین ؑ به خانه‌ی مهاجر و انصار رفتند و سخنان پیامبر ﷺ را به یادشان آوردند و از آنها خواستند بیایند و به پا خیزند و دین خدا را یاری کنند؛ اما آنها بی‌عملی را پیشه کردند و از ایفای مسؤولیت الهی خود گریختند. روز دیگری فاطمه‌ی زهرا ؑ در جمع مسلمانان، ابوبکر و عمر را در رابطه با قضیه‌ی فدک مورد خطاب قرار دادند؛ **قَالَتْ ۳۰ أَلَيْسَتْ فَدَكٌ ۳۱ فِي يَدِي**. پرسیدند آیا فدک در اختیار من نبود؟ آیا نماینده‌ی من اداره‌ی امور فدک را عهده‌دار نبود؟ **أَلَيْسَتْ فَدَكٌ فِي يَدِي وَ فِيهَا وَكَيْلِي**: آیا وکیل و نماینده‌ی من در فدک مستقر نبود؟ **وَ قَدْ أَكَلْتُ غَلَّتْهَا وَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ حَيٌّ**: آیا در زمانی که پیامبر ﷺ زنده بودند، محصولات فدک در اختیار من قرار نمی‌گرفت و من از آن استفاده نمی‌کردم؟

**قَالَا: بَلَى**: ابوبکر و عمر گفتند: بله، قبول داریم. **قَالَتْ: فَلِمَ تَسْأَلَانِي فِي الْبَيْتَةِ عَلَيَّ مَا فِي يَدِي**: پس چرا از من برای اثبات مالکیت من نسبت به چیزی که در تصرف من است، دلیل می‌خواهید؟ در اسلام و در حقوق همه‌ی جهان، در همه‌ی قوانین و قواعد حقوقی دنیا این‌طور است که تصرف، اماره و شاهد بر مالکیت است. اگر

---

۳۰. دشتی، نهج‌الحیاء، ص ۲۵۶؛ سلیم‌بن‌قیس، کتاب‌سلیم‌بن‌قیس‌هلالی، ج ۲، ص ۶۷۷؛ مجلسی، بحارالانوار، ج ۳۰، ص ۳۰۵ و بحرانی‌اصفهان‌ی، عوالم‌العلوم، ج ۱۱، ص ۸۸۴.

۳۱. در کتاب‌سلیم‌بن‌قیس‌هلالی، بحارالانوار و عوالم‌العلوم **فَدَكٌ** نیامده است.

چیزی در تصرف کسی باشد، بنابر این است که ملک اوست؛ مگر اینکه کسی دلیلی برخلاف این قضیه اقامه کند. فاطمه علیها السلام فرمودند: پس چرا از من دلیل می‌خواهید؟ شما که قبول دارید فدک در دست من بود و وکیل من آنجا را اداره می‌کرد و محصولات آنجا در زمان رسول الله صلی الله علیه و آله در اختیار من قرار می‌گرفت؛ پس من متصرف بودم. پس چرا از من برای مالکیت دلیل می‌خواهید؟ اگر شما مدعی هستید که فدک متعلق به من نیست، باید شما دلیل بیاورید؛ نه اینکه از من بینه بخواهید.

قَالَ: لِأَنَّهَا فِيءُ الْمُسْلِمِينَ: <sup>۳۲</sup> ابوبکر و عمر گفتند: به‌خاطر اینکه فدک فیء مسلمان‌ها بوده است و بنابراین تو باید دلیل بیاوری. این حرف بی‌ربطی است. فدک فیء بود؛ ولی پیغمبر صلی الله علیه و آله به دستور خدا بعد از آیهی قَاتِ ذَا الْقُرْبَىٰ حَقَّهُ، <sup>۳۳</sup> آن را به فاطمه علیها السلام عطا کرد.

قَالَتْ <sup>۳۴</sup> لَهُمَا وَ النَّاسُ حَوْلَهُمَا يَسْمَعُونَ: در حالی که مردم در اطراف آنها بودند و این گفتگو را می‌شنیدند، فاطمه علیها السلام به ابوبکر و عمر فرمودند: أَ فَتُرِيدَانِ أَنْ تَرُدَّآ مَا صَنَعَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله وَ تَحْكُمَا فِي سَائِرِ الْمُسْلِمِينَ: خودتان قبول دارید که رسول الله صلی الله علیه و آله فدک را در اختیار من قرار داده بود. آیا می‌خواهید کاری که رسول الله صلی الله علیه و آله انجام داده بود را برگردانید و بین ما اهل بیت علیهم السلام یک قانون اختصاصی، غیر از آن چیزی که بین سایر مسلمین حاکم می‌دانید حاکم کنید که می‌گویید تصرف، دلیل بر مالکیت [نیست]؟ به مای متصرف می‌گویید برای مالکیت خود دلیل بیاورید؟

أَيُّهَا النَّاسُ اسْمَعُوا مَا رَكِبَاهَا: فاطمه علیها السلام به مردم خطاب کردند و فرمودند: ای مردم! حرف‌ها و عملکردهای ابوبکر و عمر را بشنوید! أَرَأَيْتُمْآ <sup>۳۵</sup> إِنْ أَدْعَيْتُمْ مَا فِي أَيْدِي الْمُسْلِمِينَ مِنْ أَمْوَالِهِمْ تَسْأَلُونَنِي <sup>۳۶</sup> الْبَيِّنَةَ أَمْ تَسْأَلُونَهُمْ:

۳۲. در بحارالانوار به‌جای **فِيءُ الْمُسْلِمِينَ**، **فِيءٌ لِلْمُسْلِمِينَ** آمده است.

۳۳. سوره‌ی روم، آیه‌ی ۳۸ و سوره‌ی اسراء، آیه‌ی ۲۶.

۳۴. در کتاب سلیم بن قیس هلالی، بحارالانوار و عوالم‌العلوم قبل از **قَالَتْ**، عبارت **فَإِنْ قَامَتْ بَيِّنَةٌ وَ إِلَّا لَمْ نُنْضِهَا** آمده است.

۳۵. قبل از **أَرَأَيْتُمْآ** در بحارالانوار **قُلْتُ** و در عوالم‌العلوم **قَالَتْ** آمده است.

فاطمه‌ی زهرا علیها السلام به ابوبکر و عمر فرمودند: اگر من ادعا کنم چیزی که در دست مسلمان‌هاست و از اموال آنهاست، مال من است، آیا شما از من دلیل می‌خواهید که اثبات کنم مال من است یا از آنهايي که آن ملک در اختیار آنهاست دلیل می‌خواهید؟ **قَالَ لَا<sup>۳۷</sup>، بَلْ نَسْأَلُكَ:** گفتند: خیر! از تو دلیل می‌خواهیم؛ چون آن مال در تصرف آنهاست و بنا بر این است که مال آنهاست. از تو دلیل می‌خواهیم که اثبات کنی مال آنها نیست و مال توست. **قَالَتْ فَإِنْ ادَّعَى جَمِيعُ الْمُسْلِمِينَ مَا فِي يَدِي تَسْأَلُونَهُمُ الْبَيِّنَةَ أَمْ تَسْأَلُونَنِي:**<sup>۳۸</sup> سپس فرمودند: اگر همه‌ی مسلمان‌ها در مورد چیزی که در تصرف و اختیار من است، ادعا کنند، آیا از آنها دلیل می‌خواهید که اثبات کنند این مال من نیست یا از من دلیل می‌خواهید که اثبات کنم چیزی که در تصرف من است مال خودم است؟ یعنی فاطمه‌ی زهرا علیها السلام آنها را در مناظره در تنگنا قرار دادند. طبیعتاً با آن جوابی که آنها قبلاً داده بودند، باید می‌گفتند نه! اگر آنها ادعا کردند، ما از آنها دلیل می‌خواهیم. و در نتیجه می‌بایست خودشان هم دلیل می‌آوردند که فدک مال فاطمه علیها السلام نیست.

**فَغَضِبَ عُمَرُ وَ قَالَ إِنَّ هَذَا فِيءٌ لِلْمُسْلِمِينَ:**<sup>۳۹</sup> وقتی عمر دید دیگر هیچ جوابی ندارد، عصبانی شد. فریاد زد و گفت: همین که گفتم. این فیء مسلمان‌هاست؛ حرف تمام!

**قَالَتْ حَسْبِي<sup>۴۰</sup> أَنْشِدْكُمْ بِاللَّهِ أَيُّهَا النَّاسُ أَمَا سَمِعْتُمْ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ يَقُولُ إِنَّ ابْنَتِي سَيِّدَةُ نِسَاءِ أَهْلِ الْجَنَّةِ:** فاطمه‌ی زهرا علیها السلام فرمودند: خیلی خوب! کافی است! جواب نداشتید برای من. یک استدلال دیگر می‌کنم. ای مردم! شما را به خدا سوگند می‌دهم؛ آیا شما نشنیدید که رسول خدا ﷺ می‌فرمود این دختر من فاطمه، سرور

۳۶. به جای **تَسْأَلُونَنِي** در کتاب سلیم بن قیس هلالی **أَتَسْأَلُونَنِي** و در بحار الانوار **تَسْأَلُونَنِي** آمده است.

۳۷. در کتاب سلیم بن قیس هلالی، لا نیامده است.

۳۸. در بحار الانوار به جای **قَالَتْ، قُلْتُ** و به جای **تَسْأَلُونَنِي، تَسْأَلُونَنِي** آمده است.

۳۹. در کتاب سلیم بن قیس هلالی، بحار الانوار و عوالم العلوم در ادامه، عبارت **وَ أَرْضُهُمْ وَ هِيَ فِي يَدِي فَاطِمَةَ تَأْكُلُ غَلَّتْهَا، فَإِنْ أَقَامَتْ بَيِّنَةً عَلَيَّ مَا ادَّعَتْ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ وَهَبَهَا لَهَا مِنْ بَيْنِ الْمُسْلِمِينَ وَ هِيَ فَيُتُّهُمْ وَ حَقُّهُمْ نَظَرْنَا فِي ذَلِكَ** آمده است.

۴۰. در بحار الانوار به جای **قَالَتْ حَسْبِي**، **قَالَ** آمده است.

بانوان اهل بهشت است؟ **قَالُوا اللَّهُمَّ نَعَمْ**<sup>۴۱</sup> همه‌ی جمعیت گفتند: چرا؛ به خدا سوگند که شنیدیم که این‌گونه می‌گفت.

**قَالَتْ أَوْ فَسَيْدَةٌ نِسَاءِ أَهْلِ الْجَنَّةِ تَدْعِي الْبَاطِلَ وَتَأْخُذُ مَا لَيْسَ لَهَا**: آیا سرور بانوان بهشت در صدد برمی‌آید که ادعای باطل و دروغ کند که بگوید فدک مال من است و بخواهد از راه ادعای دروغ، چیزی را که مال او نیست تصرف کند و در اختیار بگیرد؟

پناه بر خدا! واقعاً پشت انسان می‌لرزد وقتی بخواهد این عبارتها را بخواند؛ ولی چون این واقعیت‌ها به زبان فاطمه‌ی زهرا علیها السلام جاری شده است، برای نشان دادن شدت خیانت دشمنان فاطمه علیها السلام، من با شرمندگی این عبارات را می‌خوانم. فرمودند: **أَرَأَيْتُمْ لَوْ أَنَّ أَرْبَعَةَ شَهِدُوا عَلَيَّ بِفَاحِشَةٍ أَوْ رَجُلَانِ بِسِرْقَةٍ أَكُنْتُمْ مُصَدِّقِينَ عَلَيَّ**<sup>۴۲</sup> ای مردم! اگر چهار مرد پیدا شوند و شهادت دهند که من فاطمه مرتکب عمل خلاف عفت شده‌ام، یا دو مرد پیدا شوند و شهادت بدهند که من فاطمه مرتکب سرقت و دزدی شده‌ام، آیا شما شهادت آن چهار مرد یا این دو مرد را علیه من قبول می‌کنید؟ **قَالَ عُمَرُ**<sup>۴۳</sup> **نَعَمْ وَنُوقِعُ عَلَيْكَ الْحَدَّ**: بله که قبول می‌کنیم و علیه تو حد جاری می‌کنیم؛ یا حدّ زنا یا حدّ سرقت. (پناه بر خدا!)

**فَقَالَتْ كَذَبْتَ وَ لَوُئِمْتُ إِلَّا أَنْ تُقَرَّ أَنَّكَ لَسْتَ عَلَيَّ دِينَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ**: فاطمه علیها السلام فرمودند: ای عمر! دروغ می‌گویی و راه لثامت و پستی را در پیش گرفته‌ای؛ انسان پستی هستی. جز این نیست که با حرفی که زدی که شهادت چهار مرد یا دو مرد را علیه من می‌پذیری، خودت شهادت دادی و اقرار کردی که بر دین پیامبر خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نیستی و کافری ای عمر!

---

۴۱. در کتاب سلیم بن قیس هلالی و عوالم‌العلوم بعد از این عبارت **قَدْ سَمِعْنَا مِنْ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ** و در بحارالانوار **قَدْ سَمِعْنَا مِنْ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ** آمده است.

۴۲. در کتاب سلیم بن قیس هلالی، بحارالانوار و عوالم‌العلوم در ادامه، عبارت **فَأَمَّا أَبُو بَكْرٍ فَسَكَتَ** آمده است.

۴۳. در کتاب سلیم بن قیس هلالی، بحارالانوار و عوالم‌العلوم، به جای **قَالَ عُمَرُ**، **أَمَّا عُمَرُ فَقَالَ** آمده است.

إِنَّ الَّذِي يُجِيزُ عَلَى سَيِّدَةِ نِسَاءِ أَهْلِ الْجَنَّةِ شَهَادَةً أَوْ يَقِيمُ عَلَيْهَا حَدًّا لَمَلْعُونٍ كَافِرٍ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ ﷺ :

کسی که شهادت علیه سرور بانوان بهشت را قبول می‌کند و می‌خواهد علیه او حد اقامه کند (یعنی توی عمر)، ملعون و کافر است؛ ملعون است و کافر است به آنچه خدا بر پیامبرش فرو فرستاده و نازل کرده است.

إِنَّ<sup>۴۴</sup> مَنْ أَذْهَبَ اللَّهُ عَنْهُمْ الرَّجْسَ وَ طَهَّرَهُمْ تَطْهِيراً لَا تَجُوزُ<sup>۴۵</sup> عَلَيْهِمْ شَهَادَةٌ لِأَنَّهُمْ مَعْصُومُونَ مِنْ كُلِّ سُوءٍ مُطَهَّرُونَ مِنْ

كُلِّ فَاحِشَةٍ: به درستی که کسانی که خدا هرگونه شائبه و پلیدی را از آنها نفی کرده و آنها را به طور مطلق پاک قرار داده است، شهادت علیه آنها قابل پذیرفتن نیست؛ چراکه این خاندان معصومند و از هر خطا و خلافی مبراً و مطهرند.

عبارت بعدی:<sup>۴۶</sup> بعد از رسول خدا ﷺ، دختر طلحه روزی خدمت حضرت فاطمه‌ی زهرا عليها السلام رسید و دید حضرت به شدت گریه می‌کنند و گویا با این گریه‌ها با جان خود بازی می‌کنند. پرسید: فاطمه جان! چه چیز تو را به این گریه و زاری واداشته است؟ چنان که می‌دانید، طلحه هم‌قبیله‌ای ابوبکر است و حال، این دختر طلحه است که خدمت حضرت آمده است.

فَقَالَتْهَا أَسْأَلُنِي<sup>۴۷</sup> عَنْ هَذِهِ حَلَقَ بِهَا الطَّائِرُ، وَ حَفِي بِهَا السَّائِرُ: فاطمه‌ی زهرا عليها السلام به دختر طلحه فرمودند:

درباره‌ی مصیبتی از من سؤال می‌کنی که گویا بر بال تمام پرندگان عالم نوشته شده و اینها پر کشیده‌اند و در تمام عالم خبرش پخش شده است؛ تو نشنیده‌ای؟ و گویا همه‌ی پیک‌های تندرو خبرش را در همه جا گسترانده‌اند؛ توی دختر طلحه خبر نداری که من فاطمه برای چه گریه می‌کنم؟

۴۴. در کتاب سلیم بن قیس هلالی به جای **إِنَّ**، **لِأَنَّ** آمده است.

۴۵. در بحار الانوار به جای **تَجُوزُ**، **يَجُوزُ** آمده است.

۴۶. دشتی، نهج‌الحیاء، ص ۲۸۴؛ طوسی، محمد بن الحسن، امالی، ص ۲۰۴؛ مجلسی، بحار الانوار، ج ۲۹، ص ۱۸۲ و بحرانی اصفهانی، عوالم‌العلوم، ج ۱۱، ص ۸۸۰.

۴۷. در امالی، بحار الانوار و عوالم‌العلوم، به جای **أَسْأَلُنِي**، **أَسْأَلْتَنِي** آمده است.

رُفِعَتْ<sup>۴۸</sup> إِلَى السَّمَاءِ اِثْرًا: گرد و غبار این مصیبت، همه‌ی آسمان را پر کرده است و تو خبر نداری؟ وَ رُزْتُ فِي الْأَرْضِ خَيْرًا<sup>۴۹</sup>: و خبر این مصیبت همه‌ی زمین را پر کرده است؛ آن وقت تویی دختر طلحه بی‌خبری و به من می‌گویی چرا این طور گریه می‌کنی؟

إِنَّ فُحَيْفَ تَيْمٍ وَ أُحْيُولَ<sup>۵۰</sup> عَدِيَّ جَارِيَا أَبَا الْحَسَنِ فِي السَّبَاقِ، حَتَّى إِذَا تَقَرَّبَا<sup>۵۱</sup> بِالْجِنَاقِ<sup>۵۲</sup>: فرمودند: ابوبکر که از پست‌ترین قبیله‌ها، یعنی قبیله‌ی تیم است و پست‌ترین فرد قبیله‌ی تیم است، به همراه عمر که از قبیله‌ی عدی است و [حیله‌گتر و مزورتر از قبیله عدی، قبیله‌ای در عرب نیست، و عمر مزورترین این قبیله است، این دو نفر دست به دست هم دادند تا گوی سبقت را از ابوالحسن، علی عَلَيْهِ السَّلَامُ برابند و از او پیش بیفتند؛ اما ناکام ماندند. در زمان رسول‌الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ نتوانستند علی عَلَيْهِ السَّلَامُ را پس بزنند و علی عَلَيْهِ السَّلَامُ همچنان پیشتاز و پیشرو و مقرب‌ترین فرد امت در پیش پیغمبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ بود. **أَسْرًا لَهُ الشَّنَانُ، وَ طَوْبَاهُ الْإِعْلَانُ:** اینها کینه‌ای را که نسبت به علی عَلَيْهِ السَّلَامُ داشتند، در سینه‌ی خود مخفی کردند و بعد از مرگ رسول‌الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ آن چیزی را که در قلب خود مخفی کرده بودند، علنی ساختند.

فَلَمَّا حَبَأَ نُورُ الدِّينِ، وَ قُبِضَ النَّبِيُّ الْأَمِينُ، نَطَقَا بِفَوْرِهِمَا، وَ نَفَثَا بِسُورِهِمَا: هنگامی که نور دین با مرگ پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ رو به خاموشی نهاد و پیامبر امین صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ قبض روح شدند، اینها کینه‌ی نهفته در سینه‌ی خود را آشکار کردند و به زبان آوردند و سوار اسب ستمگری شدند و علیه او تاختند. **وَ أَدَالَا<sup>۵۳</sup> فَدَكَ:** و این دو نفر (ابوبکر و عمر) فدک را غصب کردند.

---

۴۸. در امالی و عوالم‌العلوم، به‌جای رُفِعَتْ، رَفَعَ آمده است.

۴۹. در امالی، بحارالانوار و عوالم‌العلوم، به‌جای خَيْرًا، خَيْرًا آمده است.

۵۰. در امالی به‌جای أُحْيُولَ، أُحْيُوكَ آمده است.

۵۱. در امالی به‌جای تَقَرَّبَا، تَقَرَّبَا آمده است.

۵۲. به‌جای بِالْجِنَاقِ در امالی بِالْخِنَاقِ و در بحارالانوار و عوالم‌العلوم، بِالْجِنَاقِ آمده است.

۵۳. در امالی، بحارالانوار و عوالم‌العلوم، به‌جای أَدَالَا، أَدَلَا آمده است.

فِيَا لَهَا كَمْ مِنْ مَلِكٍ مَلَكٌ<sup>٥٤</sup>: چه بسیار فرمانروایان و سلطان‌هایی که در طول تاریخ، مالک این فدک شدند و نابود شدند و خبری از آنها نیست! اینها فکر نکنند با غضب فدک به جایی رسیده‌اند.

إِنَّهَا عَطِيَّةُ رَبِّ الْأَعْلَى لِلنَّبِيِّ الْأَوْفَى: فدک عطیة‌ی پروردگار بزرگ و اعلی بود برای پیامبر نجات‌بخش با وفای این امت؛ فیئی بود که خدا در اختیار او قرار داده بود. **و لَقَدْ نَحَلْنَاهَا لِلصَّبِيَةِ السَّوَاعِبِ<sup>٥٥</sup> عَنْ<sup>٥٦</sup> نَجَلِهِ وَ نَسْلِي: و** پیامبر هم فدک را که خدا به او بخشیده بود، برای تأمین زندگی من و فرزندانم به من بخشید و در اختیار من گذاشت. **وَ إِنَّهَا لَيَعْلَمُ اللَّهُ وَ شَهَادَةَ آمِينِهِ: و** داده شدن فدک از جانب رسول خدا به من، براساس علم الهی و با شهادت و حضور جبرئیل امین انجام شد.

فَإِنْ انْتَزَعَا مِنِّي الْبُلْعَةَ، وَ مَنَعَانِي اللَّمِظَةَ، فَاحْتَسِبُهَا<sup>٥٧</sup> يَوْمَ الْحَشْرِ زُلْفَةً: اگر ابوبکر و عمر این چیزی را که برای تأمین نیازهای ما بود، از من گرفتند و مرا از همین امکان دنیوی که از نظر من چیز کم‌ارزشی هم هست، محروم کردند، من حساب آن را به روز قیامت می‌گذارم تا در پیشگاه عدل الهی در مورد این ظلم دادخواهی کنم. **وَ لَيَجِدَنَّهَا آكِلُوهَا سَاعِرَةً<sup>٥٨</sup> حَمِيمٍ، فِي لَطْفِي جَحِيمٍ: <sup>٥٩</sup> کسانی که این حق مرا خوردند، (ابوبکر و عمر) در آن روز، در سقر و در آتش دوزخ، در حمیم گذاخته، در شعله‌های سوزان و شعله‌ور جحیم و دوزخ، خواهند دید چه بر سرشان خواهند آورد.**

این هم پاسخی بود که فاطمه‌ی زهرا عليها السلام به دختر طلحه دادند.

---

۵۴. به جای **كَمْ مِنْ مَلِكٍ مَلَكٌ**، در امالی و عوالم‌العلوم **لَمِنْ مَلِكٍ، تَلَكَّ** و در بحارالانوار **كَمْ مِنْ مَلِكٍ مُلِكَ** آمده است.

۵۵. در امالی، بحارالانوار و عوالم‌العلوم، به جای **السَّوَاعِبِ، السَّوَاعِبِ** آمده است.

۵۶. در امالی، بحارالانوار و عوالم‌العلوم، به جای **عَنْ، مِنْ** آمده است.

۵۷. در امالی و عوالم‌العلوم، به جای **فَاحْتَسِبُهَا، وَ احْتَسِبُهَا** آمده است.

۵۸. در امالی، بحارالانوار و عوالم‌العلوم، به جای **سَاعِرَةً، سَاعِرَةً** آمده است.

۵۹. مجلسی، بحارالانوار، ج ۲۹، ص ۱۸۲؛ و طوسی، محمدبن‌الحسن، امالی، ص ۲۰۴ و بحرانی‌اصفهانی، عوالم‌العلوم، ج ۱۱، ص ۸۸۰.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَعَجِّلْ فَرَجَهُمْ